



تغییر منبع معرفت‌شناختی؛ کانون محوری اسلامی‌سازی علوم انسانی

قائم‌مقام فرهنگستان علوم اسلامی با تأکید بر این‌که در رویکرد اسلامی‌سازی علوم، نقطه کانونی، تغییر منبع معرفت‌شناختی در تولید علم است، اظهار کرد: قرآن و روایات به عنوان منبع اصلی که هم الهام‌بخش و هم معیار صحت در تولید نظریه‌های علمی است، باید به این چرخه افزوده شود و محوریت پیدا کند.

قائم‌مقام فرهنگستان علوم اسلامی با تأکید بر این‌که در رویکرد اسلامی‌سازی علوم، نقطه کانونی، تغییر منبع معرفت‌شناختی در تولید علم است، اظهار کرد: قرآن و روایات به عنوان منبع اصلی که هم الهام‌بخش و هم معیار صحت در تولید نظریه‌های علمی است، باید به این چرخه افزوده شود و محوریت پیدا کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین علیرضا پیروزمند، قائم‌مقام، عضو هیئت علمی و مسئول گروه علمی در فرهنگستان علوم اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به پرسش‌هایی درباره منابع و مبانی روش‌شناختی و معرفت‌شناختی تحول در علوم انسانی پاسخ داد و تأکید کرد: اگر قرار بر اسلامی شدن علوم انسانی باشد، طبعاً باید از منابع اسلامی تغذیه شود.

مسئول گروه علمی در فرهنگستان علوم اسلامی با بیان این‌که مشروعیت علوم انسانی به اسلامی شدن آن است، افزود: اسلامی شدن علوم انسانی وابسته به منابعی است که ما آنها را جایگزین منابع فعلی کنیم و شناخت این منابع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که نخستین گام در زمینه تحول قلمداد می‌شود.

وی افزود: با توجه به این‌که علوم انسانی موجود، مبتنی بر اندیشه سکولار شکل گرفته است و بنای اندیشه سکولار بر فکر کردن غیردینی و نه لزوماً ضددینی است، به همین مناسبت طبیعی است که اندیشه سکولار فرض گرفته است که در تولید علوم انسانی هیچ نوع نیازمندی به ماوراء الطبیعه و علوم وحیانی وجود ندارد.

پیروزمند با تأکید بر این‌که پیش‌فرض‌های ماوراء طبیعی وارد در تولید علم نشده است، اظهار کرد: به همین جهت، طبیعی است که اتکای علوم انسانی از نظر منابع معرفت‌شناختی به عقل و تجربه محدود شده است و این دو منبع و به خصوص تجربه در حال حاضر چنان نقش مهمی در تولید علوم انسانی پیدا کرده‌اند که این علوم عملاً متأثر از دیدگاه‌های پوزیتیویستی و تجربه‌گرایانه قلمداد می‌شود.

وی ادامه داد: صرف نظر از این مناقشه که در علوم انسانی چه سهمی به تجربه و چه سهمی به عقل داده شده است، آنچه که قدر مسلم است و برای ما اهمیت دارد، این است که منابع وحیانی که از نظر اسلام، شامل قرآن و روایات اهل بیت (ع) است، هیچ نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری در تولید علوم انسانی فعلی ندارد.

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی با تأکید بر این‌که در رویکرد جدید به اسلامی‌سازی علوم، نقطه کانونی در اسلامی‌سازی، تغییر منبع معرفت‌شناختی در تولید علم است، گفت: در نظر گرفتن قرآن و روایات به عنوان منبع اصلی که هم الهام‌بخش است و هم معیار صحت در تولید نظریه‌های علمی است، باید به این چرخه افزوده شود و بلکه محوریت پیدا کند تا علوم انسانی قابلیت تولید پیدا کند.

اتکای علوم انسانی از نظر منابع معرفت‌شناختی به عقل و تجربه محدود شده است و این دو منبع و به خصوص تجربه در حال حاضر چنان نقش مهمی در تولید علوم انسانی پیدا کرده‌اند که این علوم عملاً متأثر از دیدگاه‌های پوزیتیویستی و تجربه‌گرایانه قلمداد می‌شود.

وی افزود: مطلب دیگر این‌که برای پیدایش امکان توجه و استفاده از قرآن و روایات به عنوان منبع تولید علم، باید در راستای روش علم، تحولی اتفاق بیافتد که امکان پیش‌فرض قرار دادن مبانی متافیزیکی را در تولید نظریه‌های علمی فراهم کند و این اتفاق هنوز در عرصه علوم انسانی رخ نداده است.

پیروزمند ادامه داد: بنابراین برای اسلامی شدن علم، اولاً منبع وحی باید نه جزو منابع، بلکه در رأس منابع قرار بگیرد و معیار صحت برای عقل و تجربه قلمداد بشود و ثانیاً برای این‌که این مسئله امکان‌پذیر شود و جریان تحول تحقق پیدا کند، باید روش علم متحول شود تا امکان این جریان در تولید نظریه‌های علمی فراهم شود.

وی با بیان این‌که قرآن و روایات، اگر نگوییم تنها منبع، دست کم می‌توان گفت که به اعتقاد غالب علماء منبع اصلی تحول علوم

انسانی است، گفت: شناخت قرآن و روایات منطق خاص خود را دارد که فقهای معظم ما در طول تاریخ تشیع، درباره آن بحث و تبادل نظر کرده‌اند، اما اتفاق جدیدی که باید رخ دهد، آگاهی از این مسئله است که ما احتیاج به بهره‌مندی جدیدی از منابع اسلامی در جهت تولید علوم انسانی داریم که خود پیش‌نیاز ایجاد تمدن اسلامی هستند.

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی با تأکید بر این‌که ارتقای ظرفیت فهم از منابع دینی ممکن است احتیاج به تحول در منطق فهم دینی هم پیدا کند، اظهار کرد: به همین جهت در فهم منابع دینی، فلسفه مستقیماً کارگشا نیست و روش استنباط، روش قاعده‌مندی است که با فلسفه متفاوت است.

وی افزود: البته ممکن است فلسفه در مبانی روش استنباط تأثیرگذار و دخیل باشد، اما مبتنی بر نظر اندیشمندانی که برای عقل مرجعیت مستقل در فهم دین قائل هستند، منطق فهم عقلانی یکی از روش‌هایی خواهد بود که فهم دینی را امکان‌پذیر می‌کند.